

# فُرق<sup>۱</sup> و فُرقبانی<sup>۲</sup> پدیده جغرافیایی انطباق انسان با محیط در

## حاشیه تالاب انزلی

( مورد: فرق جیرسرباقرخاله )

دکتر نصراله مولائی هاشجین\*

دانشیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

Email: nmolaeih@iau.rasht.ac.ir

### حسن دادرس

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

## چکیده:

با توجه به شرایط جغرافیایی حاکم در حاشیه تالاب انزلی و وجود اراضی مرتعی قابل تعلیف که در فصول گرم سال با عقب‌نشینی تالاب مساحت آن افزایش پیدا می‌کند اغلب دام‌های روستاهای واقع در حاشیه تالاب که با کوهستان ارتباط ندارند حدود ۵ تا ۶ ماه از سال را در فصل بهار و تابستان یعنی از زمان کاشت برنج تا برداشت آن به‌طولمی‌انجامد تعلیف می‌شوند. تعلیف دام‌ها در چراگاه‌های

---

<sup>۱</sup> فُرق در فرهنگ لغت معین به معنی منع و بازداشتن، جلوگیری از ورود کسانی به جایی، محلی که اختصاص به شخص یا اشخاص معینی دارد، سبزه‌زار مخصوص و... است. ولی در اصطلاح محلی فُرق به جایی اطلاق می‌شود که از چهار طرف کاملاً محصور بوده و کسی حق ورود به آن محدوده را نداشته باشد و یا جایی که کشاورزان دامدار و با آسودگی خیال و فکر، حداقل ۵ الی ۶ ماه از سال دام‌های خود را در مراتع به نام فُرق تحویل می‌دهند.

<sup>۲</sup> فُرق بان به کسی اطلاق می‌شود که مسئولیت فُرق را بر عهده داشته و طبق قوانین و تشکیلات خاص و مختص به عرف محدوده و بدون هیچ گونه نظارت مستقیم دولتی با توجه به سوابق طولانی که در همین راستا دارد به وظایف فُرق بانی خود عمل می‌نماید.

\* مقاله حاضر بخشی از طرح هادی روستای جیرسرباقرخاله از بخش مرکزی شهرستان رشت و مطالعات میدانی و اسنادی در فرق‌های حاشیه تالاب بندرانزلی است که به‌صورت مشترک در طی سال‌های ۸۵-۱۳۸۲ صورت گرفته است و بخشی از هزینه آن توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی گیلان تامین گردیده است.

طبیعی نقش مهمی در سازمان دهی به فعالیت‌های زراعی و دامی ایفا می‌کند با پس روی آب تالاب در بهار و تابستان پوشش گیاهی انبوه و غنی آن تا اواسط پاییز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

روستاییان دامدار دام‌های خود را تحویل قُرق‌بانی‌نمایند. و در طول مدت رهاسازی، دام‌ها در این قُرق‌ها کاملاً چاق و فربه شده و به‌خوبی از علف‌های طبیعی خوش خوراکی اطراف تالاب بهره‌مند می‌شوند. جلوگیری از تبدیل مراتع طبیعی فوق به مزارع شالیکار و احیاء و فعال‌سازی قُرق و قُرق‌بانی در حفظ محیط‌زیست، مراتع و تداوم فعالیت دامداری به‌عنوان فعالیت جنبی و مکمل در کنار زراعت نقش مهم و مؤثری را بازی خواهد کرد.

## واژگان کلیدی: قُرق، قُرق‌بانی، حاشیه تالاب انزلی، دامداری، جیرسرباقرخاله

### ۱. مقدمه

با توجه به افزایش روزافزون جمعیت، نیاز به مواد غذایی و پروتئینی امری غیرقابل انکار است. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و مهاجرت از روستاها به شهرها و تصرف زمین‌های منابع طبیعی به‌ویژه در حاشیه تالاب انزلی و تبدیل این اراضی به مزارع کشاورزی موجب گردیده است که دامداری سنتی به‌طور چشمگیری کاهش یابد تا جایی که در سال‌های قبل و حتی بعد از اجرای اصلاحات ارضی اغلب روستاییان حداقل چند رأس دام (گاو، بز، شتر، گوسفند، اسب) برای باربری و مسافر و گاو شیری برای استفاده از شیر و سایر فرآورده‌های آن (در روستا نگهداری می‌کردند و پس از سپری شدن زمان کاشت، داشت و برداشت برنج دام‌ها در مزارع خود روستاییان رها شده تا از ته مانده برنج که بدان پس‌جو اطلاق می‌شود استفاده نمایند، با توجه به تصرف اراضی منابع ملی (قُرق) توسط اهالی نه تنها دامداری به‌طور چشمگیری از رونق افتاده است بلکه کشاورزان نیز به جهت مناسب نبودن اراضی مذکور برای کشت و زرع از وضعیت مناسبی برخوردار نگردیدند.

در این مقاله با بهره‌گیری نظریات، تجربیات و منابع به بررسی قُرق و قُرق‌بانی در حاشیه تالاب انزلی در قالب مشخصات جغرافیائی محدوده مورد مطالعه، یافته‌های تحقیق پرداخته و در پایان ضمن جمع‌بندی به نتیجه‌گیری و ارائه راهکارها پرداخته شده است.

## ۲. روش بررسی و تحقیق

با توجه به ارتباط بین جلگه و کوهستان در شرق، غرب و جنوب گیلان و آغاز سکونت انسانها در نواحی مرتفع و کوهستانی و جابجائی آنها به سمت جلگه و اراضی پست و حاصلخیز، بعدها بین جلگه و کوهستان در قالب نیمه کوچندگی، کوچ کشاورزان دامدار و کوچ کشاورزان فاقد دام و غیرکوپنده ارتباط ایجاد گردید. ولی در برخی قسمت های بخش جلگه‌ای استان و در نواحی روستایی که این ارتباط حاکم نیست و نگهداری و پرورش انواع دام بزرگ ( گاو و گوساله، گاو میش و بچه گاو میش و اسب و کره اسب ) در آنها رواج داشته است. در فصل کاشت برنج فضایی برای تعلیف دامها وجود ندارد و از سویی امکان حرکت دامها به کوهستان نیز فراهم نیست وجود اراضی مرتعی طبیعی در حاشیه تالاب ها، مانداب ها در مساحت های کوچک و بزرگ و برخورداری از مراتع خوب امکان ادامه فعالیت دامداری را فراهم نموده است. البته امروزه اغلب این محدودهها از جمله به دلیل به زیر کشت بردن مراتع مذکور و تغییر کاربری از بین رفته‌اند و محدوده‌های موجود اندک شده است. سوال اصلی تحقیق حاضر این است که فُرق در انطباق با محیط طبیعی از چه جایگاهی برخوردار است ؟

حسب بررسی‌های انجام گرفته در خصوص فُرق و قرق بانی نشان می‌دهد که، تحقیقات وسیع و گسترده‌ای در این زمینه صورت نگرفته است. پدیده قرق و قرق بانی در کشور ایران و به‌ویژه حاشیه جنوبی تالاب انزلی و کشور پاراگوئه در آمریکای جنوبی معمول است. برای بررسی فُرق و قرق بانی در محدوده مورد مطالعه از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و جهت جمع آوری اطلاعات و داده‌ها در قالب مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است.

## ۳. مشخصات محدوده مورد مطالعه

روستای جیرسرباقرخاله در ۴۹ درجه و ۳۴ دقیقه طول جغرافیایی شرقی و ۳۷ درجه و ۲۳ دقیقه عرض جغرافیایی شمالی و در ارتفاع ۲۵- متری از سطح آبهای آزاد ( سازمان جغرافیایی

نیروهای مسلح، ۱۳۷۱) با موقعیت جلگه‌ای از دهستان چوکام، بخش خمام شهرستان رشت واقع شده است.

این روستا در منتهی‌الیه غربی دهستان چوکام قرار گرفته است فاصله روستا تا مرکز دهستان ۶ کیلومتر و تا مرکز بخش ۱۰ و تا مرکز شهرستان و استان ۱۷ کیلومتر است. روستای جیرسرباقرخاله از طرف غرب به تالاب بندرانزلی و قُرق واقع در حاشیه تالاب محدود می‌شود. (مولائی هاشجین، ۱۳۸۲: ۳۲)

روستای جیرسرباقرخاله روستای خطی است که مسکن و سایر کاربری ساخته شده روستا در دو طرف مسیر اصلی روستا در میان باغات پراکنده شده‌اند و مزارع در طرفین واقع شده‌اند. اراضی زراعی روستا تماماً به کشت برنج که معشیت غالب روستا می‌باشد اختصاص یافته است.

مساحت اراضی زراعی و باغی روستا براساس آمار زراعی ۷۹-۱۳۷۸ برابر ۳/۳۳۶ هکتار بوده که ۲۹۰ هکتار آن، اراضی زراعی کشت برنج و ۴۶/۳۰ هکتار نیز به اراضی باغی محصولات جالیزی، کشت حبوبات، سبزی و صیفی، نباتات علوفه‌ای، مرکبات، درختان میوه، گردو و توت اختصاص دارد. (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گیلان، ۱۳۷۹: ۱۱۱).

اراضی مرتعی (قُرق) در غرب روستا نیز به مساحت تقریبی ۷۰۰ هکتار است که برای چرای دام‌ها بکار رفته و به عنوان یک فعالیت اقتصادی درآمد حاصل از اجاره قُرق به دامداران، صرف امور عمرانی روستا توسط مدیران محلی روستا مشتمل بر دهیار و شورای اسلامی می‌شود.



## ۴. فُرق و قُرق بانی در گیلان

واژه فُرق از لحاظ لغوی به معنای « ممنوعیت » آمده است و در این مطالعه به مکان‌هایی اطلاق می‌شود که در آنها علف آزادانه می‌روید و کشت در آن ممنوع است و فضا به پرورش دام‌های بزرگ اختصاص یافته است ( پورفیکوئی، ۱۳۸۳: ۱۷ )

افزون بر آن فُرق در اصطلاح محلی به جایی اطلاق می‌شود که از چهار طرف کاملاً محصور بوده و کسی حق ورود به آن را نداشته باشد و کشاورز و دامدار با خیال آسوده بین ۵ الی ۶ ماه از سال، دام‌های خود را در مراتع نسبتاً وسیع بنام قُرق تحویل آن می‌دهند.

قُرق‌های طبیعی گیلان عمدتاً در اطراف تالاب‌ها می‌باشند که بزرگترین قُرق‌های استان در حاشیه تالاب انزلی و به‌ویژه بخش جنوبی آن قرار دارد. در گذشته در فضاهای پیرامونی شهرهای واقع در جلگه قُرق‌هایی وجود داشته که به مرور زمان و با گسترش و توسعه فیزیکی - فضایی شهرها به سوی فضاهای پیرامونی جدید به شهرها عقب رانده شده است هر چند این قُرق‌های جنب شهری در مقایسه با قُرق‌هایی که در بخش‌های پست تر و مرطوب تر به‌ویژه در کرانه تالاب‌ها پوشانده‌اند چندان به حساب نمی‌آیند.

مهم‌ترین قُرق‌های حاشیه جنوبی و شرقی تالاب انزلی عبارتند از :

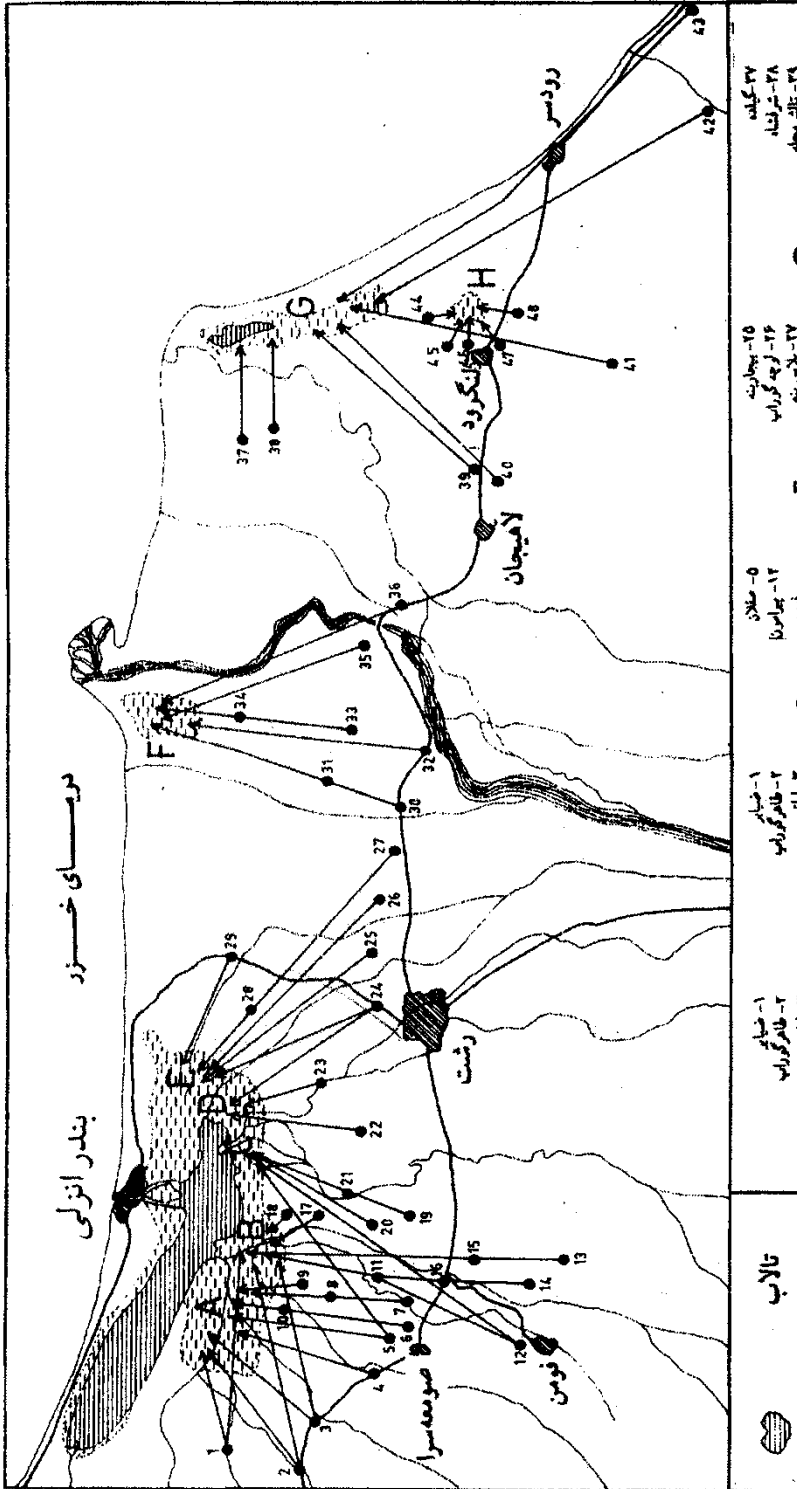
- ۱- قُرق سیاه درویشان (A) ۲۲۰۰ هکتار
- ۲- قُرق هندخانه (B) ۵۰۰ هکتار
- ۳- قُرق تراب خاله (C) ۶۰۰ هکتار
- ۴- قُرق باقلاکش (D) ۸۰۰ هکتار
- ۵- قُرق محمودآباد (E) ۸۰۰ هکتار

محدوده مورد مطالعه در موقعیت D و E قرار دارد ( پورفیکوئی، ۱۳۸۳: ۲۰-۱۸ و جهاد سازندگی استان گیلان ۱۳۶۱: ۶۲).

با توجه به وجود ارتباط بین جلگه و کوهستان در سراسر استان گیلان و جابجائی دامداران اعم از کشاورزان دامدار، دامداران تخصصی و حتی کشاورزان فاقد دام و خوش نشین‌های

روستایی و شهری در غرب و شرق استان که عمدتاً در فصل فعالیت کشاورزی یعنی از زمان کاشت تا برداشت برنج و محدودیت چرای دامها در بخش جلگه‌ای و تحت تاثیر سایر عوامل مانند فرار از گرمای جلگه، عادت به کوچ، استفاده از شرایط جوی مناسب و مطلوب کوهپایه و کوهستان و... صورت می‌گیرد.

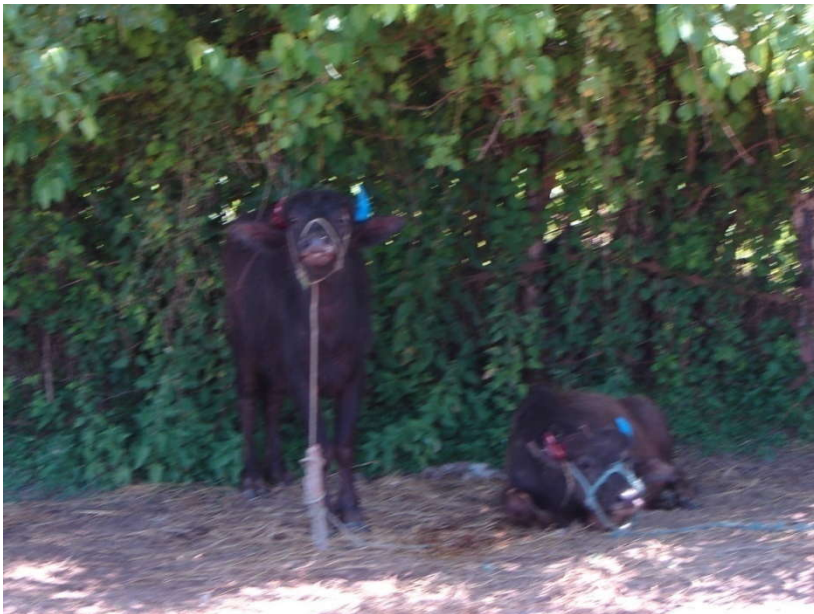
پدیده فُرق همانطوریکه درسطور قبل بدان اشاره شد در محدوده‌هایی که بین جلگه و کوهستان ارتباط وجود ندارد و بویژه در حاشیه تالاب ها و ماندابه‌های دریای خزر جهت پاسخگویی به نیاز دامها برای تامین علوفه و محل چرای آنها از زمان کاشت تا برداشت محصولات در اراضی کشاورزی ملاحظه می شود.



نقشه ۲ جایجایی افقی به سوی قره‌ها در استان گیلان (پورفیکوشی، ۱۳۸۳، ۲۰)



در این فضاها گسترده، چراگاههای نواحی پست، مرکب از گیاهانی از تیره گندمیان که در چاله‌های ماندابی با نیزارها آمیخته‌اند درختان حضوری نامحسوس دارند و هیچ بنائی نگاه را در راستای افق محدود نمی‌کند. هیچ طولی‌ای در فُرقگاه‌ها به چشم نمی‌خورد و تنها یک کلبه ابتدایی در هر فُرق برپا شده است که در آن کسانی که به نگهبانی دامها اشتغال دارند موقتاً سکونت اختیار کرده‌اند. از این چراگاههای روستایی که دسترسی به مراتع کوهستان ندارند و ناچارند دامهای خود را در فُرق نگاهداری کنند اعم از روستاهای نزدیک و دور استفاده می‌کنند. (پورفیکوئی، ۱۳۸۳: ۱۹)



عکس ۱- دامهای در نوبت ورود به محدوده فُرق جهت طی مراحل اداری و علامت گذاری، ۱۳۸۵

فُرق و فُرقبان خود دارای قوانین و تشکیلات خاص و مختص به خود بوده است که عموماً توسط افراد محلی اداره می‌شده و هیچ گونه نظارت دولتی مستقیم بر این قسمت از کارهای مردمی وجود نداشته است. فردی که سابقه طولانی فُرقبانی داشته به عنوان مسئول و عده‌ای نیز به عنوان دفتردار یا میرزا، مال‌گیر یا لافندزن، نگهبان و... به اداره فُرق می‌پردازند.



عکس ۲- علامت گذاری دامها توسط صاحبان در محدوده قُرق جیرسرباقرخاله، ۱۳۸۵

قُرق متعلق به یک محله یا چند محله نبوده است. بلکه بعضاً از روستاهای دوردست حتی از شهرستانهای دیگر دامهای خود را تحویل قُرق مورد نظر می‌نمودند. اصولاً تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل عدم امکانات حمل و نقل جاده‌ای و یا جاده مناسب کشاورزان دامدار، دامهای خود را با پای پیاده تحویل قُرق می‌دادند. که این دامها شامل دامهای بزرگ نظیر؛ گاو، گوساله، گاو میش و بچه گاو میش، اسب و کره اسب بودند که کشاورزان دامدار در اوایل اردیبهشت قبل از شروع کار کشاورزی اعم از برنج کاری، صیفی کاری، نوغانداری، توتونکاری و... دامها را تحویل قُرق و یا قُرق‌بان می‌داده و بعد از برداشت محصولات خود یعنی از اواخر شهریور ماه تا اواسط آبان به دنبال دامهای خود آمده و دامها را تحویل گرفته و به روستای خود می‌بردند.



عکس ۳- ورودی محل محدوده فُرق از سمت روستای جیرسرباقرخاله -۱۳۸۵



عکس ۴- حضور نگارنده و دفتردار فُرق جیرسرباقرخاله در محدوده مورد مطالعه جهت مطالعات میدانی - ۱۳۸۵

فُرق و فُرقبان در راستای تحویل گرفتن دامها یک سلسله قوانین و مقرراتی داشته که در نوع خود جالب توجه بوده است. به عنوان نمونه در ابتداء تحویل گرفتن دامها مشخصات کامل دام

توسط دفتردار یا میرزا شامل: نوع دام، سن دام، جنس دام و علامت مشخص در بدن دام و... ثبت می‌شده است. عده‌ای از دامداران بزرگ یعنی کسانی که تعداد دام‌های آنها بیش از ۵۰ رأس هستند معمولاً مبادرت به داغ کردن اسم و یا علامت رمز خاصی در سمت راست بدن دام خود می‌کردند. ۱.

درخصوص نگهداری از دام‌ها در قُرق معمولاً اهالی همان روستا از دادن هرگونه وجهی معاف بوده ولی سایر دامداران که از نقاط دور و نزدیک دام‌های خود را تحویل قُرق میدهند به صورت توافقی در پایان کار بر حسب نوع دام مبالغی را پرداخت می‌کردند. در سال‌های اخیر بابت هر رأس گاو بزرگ ۲۵۰۰۰۰ ریال و هر رأس گاو میش ۴۰۰۰۰۰ ریال دریافت می‌شود (مطالعات میدانی، ۱۳۸۵).

## ۵. وظایف قُرق‌بانان

۱- قُرق جیرسرباقرخاله با وسعت بیش از ۷۰۰ هکتار مساحت دارای ۱۵ نفر عضو رسمی از قبیل مدیر، دفتردار یا میرزا، لافندزن و نگهبان می‌باشد. که نگهبان در طول شبانه روز با تفنگ‌های ساچمه زنی از قُرق در مقابل سارقین، حیوانات درنده و حتی فرار دام‌ها و احیاناً غرق شدن آنها محافظت می‌کنند.

۲- در صورت سرقت و یا تلف شدن دام‌ها، بر اثر بی احتیاطی قُرق‌بانان، خسارت به صاحب دام پرداخته می‌شود.

۳- بعضاً دام‌های داخل قُرق سیم خاردارها را پاره کرده و به مزارع مردم آسیب وارد می‌نمایند که در صورت اعلام شکایت کشاورزان، قُرق‌بان موظف است خسارت وارده را پرداخت نماید.

۴- همه ساله از بابت حفظ و نگهداری و مرمت دیوار و سیم خاردارها و ساخت کومه مبلغی هزینه می‌گردد به اضافه حقوق و مزایای پرسنل قُرق و.. باید پرداخت گردد.

---

۱- شیوه داغ کردن اینگونه بوده که ابتداء صاحب دام معمولاً نام خود یا علامت و نشانه خاص خود را بوسیله آهنگر بر روی میله ای به ابعاد ۱۰×۲۰ سانتیمتری در می‌آورده و سپس دست و پای دام را محکم می‌بستند و آن را روی زمین می‌خواباندند و متعاقب آن میله مورد نظر را در آتش داغ گذاخته و بر روی پهلوی دام می‌گذاشتند که کاملاً پوست آن را بسوزاند و این علامت تا زمان مرگ دام کاملاً در بدن آن نقش بسته و محو نمی‌شده است.

۵- چند سال است که با تشکیل شورای اسلامی روستا، فُرق جیرسرباقرخاله از منابع طبیعی اجاره و مدیریت می‌گردد و از عواید فُرق با همت و مدیریت خوب شورا از مسیر جاده اصلی تا درب ورودی فُرق آسفالت، برق کشی و حتی تلفن کشیده شده است. و جدای از آن نیز از بابت آوردن آب آشامیدنی، گاز شهری قدمهای بلندی برداشته شده و حتی یک باب مسجد بزرگ در حال احداث می‌باشد.

۶- فُرقبان وظیفه دارد حداقل ماهی یکبار که صاحب دام برای دیدن دامهای خود به فُرق می‌رفته دامها را به رویت صاحب دام برساند. ( که در همین راستا بعضی از فُرقبانان در سابق دچار تخلف شده و دام بعضی از دامداران که بنا به دلایلی از بین می‌رفته و یا سرقت می‌شده در موقع تحویل دامها، یک دام را به رویت چند دامدار می‌رسانند هر چند که صاحبان دام به سادگی زیر بار حرف فُرقبانان نمی‌رفتند).

در چند ساله اخیر با توجه به گسترش ارتباطات به‌ویژه دسترسی به تلفن همراه و ثابت در مناطق روستایی در صورت تلف شدن دامها، بلافاصله مراتب از سوی فُرقبان به اطلاع صاحب دام رسانده می‌شود که تا از نزدیک لاشه دام خود را مشاهده نمایند.

۷- فُرقبان حق دارد که در هر وقت گاو و گاومیش در فُرق زایمان کند از شیر و سایر فرآورده‌های دامی آن استفاده نماید.

۸- فُرقبان در صورت زایمان دامها ( اگر چه بعضاً بچه دامها تلف می‌شوند و یا توسط حیوانات درنده مانند؛ روباه، شغال و... دریده می‌شوند هیچ مسئولیتی ندارد) گاو را به همراه گوساله آن با ماشین به روستای صاحب دام برده و از این بابت ضمن اخذ کرایه حمل دامها مزدگانی نیز دریافت می‌نمایند.

۹- هر فُرقبان دارای چند نفر مال‌گیر یا به اصطلاح محلی لافندزن (طناب به زبان محلی گیلکی لافند گفته می‌شود) هستند. عموماً دامها که چند ماه به‌صورت آزادانه در فُرق چرا می‌کنند. حالت نیمه وحشی و یا به زبان محلی یاغ می‌شوند که در این صورت مال‌گیر سوار اسب شده و به طرز ماهرانه‌ای طناب را در هوا رها کرده و به گردن دام یاغ می‌اندازند و سپس دام را تحویل صاحب دام می‌دهند که معمولاً در این راستا نیز انعامی از سوی صاحب دام دریافت می‌نمایند.

۱۰- دفتردار یا میرزا، دامهای وارده به قُرُق را که بعضی از سالها زیاد بوده و با در نظر گرفتن دام خود محل به ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ رأس می‌رسد با ابتکار جدیدی اول دفتر هر کدام از دامها را جداگانه (یک دفتر متعلق به اسب یک دفتر متعلق به گاو و یک دفتر متعلق به گاو میش) آماده نموده و برای نظارت دقیق‌تر بر آنها با استفاده از علامت دامها و داغها و با بهره‌گیری از شیوه‌های خاصی هر کدام از دامهای هر روستا را مشخص و سپس در دفترهای مذکور ثبت می‌نمایند به‌عنوان نمونه شاخ دامهای هر روستا با رنگ خاص و فرم مشخصی رنگ می‌شوند.

### ۶. تقویم بهره‌برداری از قُرُقها

تقویم بهره‌برداری از قُرُقگاهها با تقویم کشاورزی مرتبط است. برخلاف چراگاههای غرقابی بستر پست و نواحی مصبی رودها در آمریکای جنوبی که صرفاً در فصول خشک سال قابل بهره‌برداری هستند استفاده از قُرُقگاههای استان گیلان در فصل کشت محصولات که فضا برای چرای دامها در خارج از آن میسر نیست امکان‌پذیر است هرچند به‌غیر از فصول پر باران پاییزی و زمستانی که بخش عمده‌ای از مراتع از آب پوشیده می‌شوند و نیز به جهت استفاده از چراگاهها به‌عنوان شکارگاه به علت پذیرا بودن محدوده‌های مذکور از پرندگان کوچنده انبوه می‌توان از این قُرُقگاهها استفاده نمود (پورفیکوئی، ۱۳۸۳: ۲۱)

کشاورزان دامهای خود را از روستاهای بخش جلگه‌ای که باکوهستان ارتباط ندارند حدود ۶ ماه از سال در قُرُقگاهها باقی می‌گذارند و از مردادماه تا اوایل مهرماه بازگشت دامها به روستاها آغاز می‌گردد.



عکس ۵- مرتع و چرای دامها در قرق جیرسرباقرخاله -۱۳۸۵



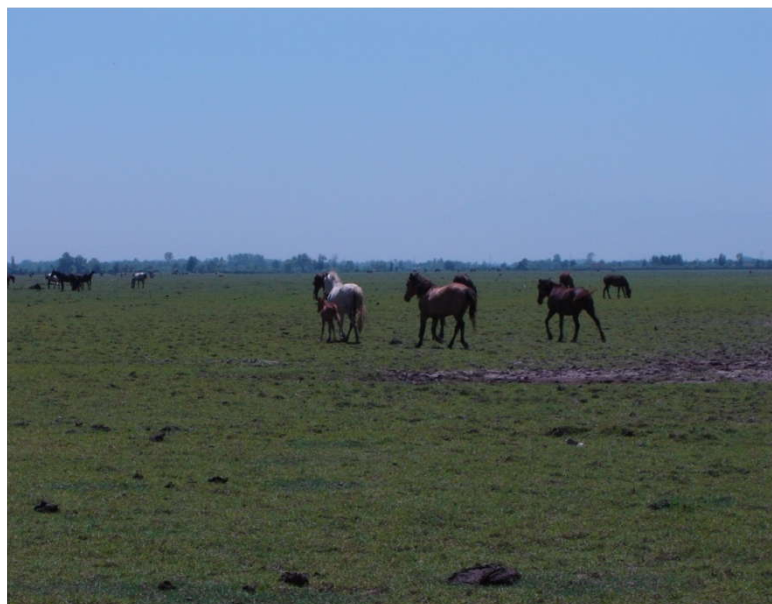
عکس ۶- استفاده از جریان آبها به سمت تالاب انزلی در محدوده قرق توسط

گاو میش ها و غازها- ۱۳۸۵





عکس ۷- چرای انواع دامها با علامت گذاری های متفاوت- ۱۳۸۵



عکس ۸- جدای گزینی گله دامهای قره‌گاہ به تفکیک - نمونه گله اسب و کره اسب- ۱۳۸۵



## ۷. روند تغییرات مساحت اراضی مرتعی (فُرق)

فُرقبان‌ها که در گذشته اصولاً افراد ذی‌نفوذ محلی یا منطقه‌ای محسوب می‌شوند. فُرق را از منابع طبیعی اجاره می‌کردند. با پیروزی انقلاب اسلامی زمین‌های فوق به جهت گسترش کشاورزی توسط تعداد زیادی از اهالی همان روستا و بعضاً روستاهای دیگر تصاحب و یا این‌که از سوی هیات‌های واگذاری زمین به افراد کم زمین و بی‌زمین واگذار گردید. به‌طوری‌که در حال حاضر محدوده‌های مذکور در قالب فُرق به سبک و سیاق گذشته در سطح استان گیلان بسیار محدود شده است. و این در حالی است که زمین‌های مورد بحث چند سال بعد از پیروزی انقلاب به‌دلیل بالا آمدن سطح آب دریای خزر و آماس کردن آب تالاب مجدداً مزارع آن‌ها به زیرآب رفته و کشاورزان با زحمات و مخارج هنگفت با پمپاژ کردن به تخلیه آب شالیزارها پرداختند و حتی چند سال بعد از کاشت، درست در زمان برداشت محصول، کلاً مزارع آن‌ها با نامساعد شدن هوا به زیر آب رفته و زحمات یک‌ساله آن‌ها نابود می‌شده است (فرید پاک، ۱۳۶۲).

با اشاره‌ای که درخصوص وضعیت فُرق‌ها رفت حال نه تنها از فُرق‌ها با آن سبک و سیاق گذشته به جزء فُرق بزرگ جیرس‌باقرخاله چوکام، آثاری به‌جا نمانده است بلکه کشاورزانی که زمین‌های موصوف را تصرف کرده‌اند. بهره‌مناسبی را از اراضی تغییر کاربری داده شده اخذ نموده‌اند. و از طرفی با از بین رفتن فُرق‌ها، دامداری نیز در سطح وسیعی در ناحیه از بین رفته است. به‌صورتی که به ندرت می‌توان دید که روستایی شالیکار و کشاورز چند رأس دام نیز حتی برای مصرف خانگی خود در روستا داشته باشد. اگر چه هنوز بعضی از کشاورزان دام‌های خود را به صورت سرگردان در مناطق مردابی رها می‌کنند. اما محدودیت‌هایی در زمان کشت برنج برای احشام وجود دارد.

قبلاً محدوده فُرق بسیار وسیع و تقریباً اکثر حاشیه ضلع جنوبی حتی محدوده‌ای از ضلع شرقی و شمالی تالاب انزلی فُرق احشام منطقه بوده که متأسفانه امروزه محدود به چند روستا در ضلع جنوب شرقی تالاب انزلی است (شرکت هامون پار، ۱۳۷۶).

## ۸. نقش قرق و قُرق‌بانی

با عنایت به مطالب اشاره شده در سطور قبل روز به روز از میزان مساحت مراتع کاسته شده و از طرفی نیز با ازدیاد جمعیت و نیاز روز افزون به مواد گوشتی و پروتئینی و وجود امکانات بالقوه و بالفعل در محدوده مورد مطالعه جهت نگهداری و پرورش دامها می‌توان در محدوده مورد مطالعه مخصوصاً در اراضی وسیعی که قبلاً قُرق بوده و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بدون برنامه‌ریزی توسط افراد، قُرق‌های مختلف مورد تصرف قرار گرفته و از همه مهم‌تر این که استفاده بهینه‌ای نیز از این اراضی نشده است. به احیاء قُرق و قُرق‌بانی پرداخت. این امر ضمن این که در تولید مواد گوشتی و پروتئینی تاثیر به‌سزایی می‌گذارد. در افزایش درآمد مردم منطقه نیز در کنار اشتغال به کار زراعت نقش به‌سزایی خواهد داشت (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۳).

قُرق تاثیر به‌سزایی در افزایش درآمد سرانه محدوده مورد مطالعه دارد زیرا حدود ۶ ماه از مهم‌ترین و حساس‌ترین فصل زراعت سال که کشاورزان مشغول زراعت (کاشت، داشت و برداشت) در شالیزارها می‌باشند و نه جایی برای نگهداری دامها و نه وقتی برای صرف مراقبت از آن‌ها را دارند. دامها در قُرق ضمن نگهداری، از علف‌های خودرو و مغزی آن استفاده و به خوبی چاق و فربه می‌شوند.

قُرق در حفاظت اراضی زراعی کشاورزان تاثیر به‌سزایی دارد. زیرا کلیه دامها در قُرق‌هایی که کاملاً محصور می‌باشند توسط قُرق‌بانها محافظت شده و دیگر دامها در سطح روستاها سرگردان و رها شده نیستند تا به داخل مزارع کشاورزی ورود نمایند و باعث وارد آمدن خسارت به مزارع و یا احیاناً موجب درگیری و نزاع زارعین و صاحبان دامها شوند (کوثری، ۱۳۶۵).



عکس ۹- وجود مرتع و آب برای دامها در محدوده قرق روستای جیرسرباقرخاله- ۱۳۸۵

## ۹. تحولات قُرق و قُرقبانی در چند دهه گذشته ۸۵-۱۳۴۱

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در چند دهه اخیر روند قُرق و قُرقبانی به افول گذاشته است. قبل از دهه چهل به دلیل وجود بزرگ مالکی، مالکان بزرگ، املاک خود را در فصل زارعت (بهار و تابستان) به اجاره قُرقبانان در می‌آوردند. که در این زمان اوج رونق قُرق بوده است. بعد از دهه چهل و با شروع اصلاحات ارضی و ملی شدن زمین‌های حاشیه تالاب تا حدی از رونق قُرق و قُرقبانی کاسته شد. هر چند که در مواردی همین زمین‌ها از سوی دولت، قُرقبانان قدیمی اجاره داده می‌شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی افراد خوش‌نشین و یا افراد با زمین‌های کمتر با تصرف زمین‌های فوق به جزء در چند نقطه از ناحیه که در حال حاضر نیز به صورت قُرق می‌باشد مابقی از حالت طبیعی خود خارج گردیده است.

اگر نگاهی گذرا به تعداد دامهای موجود در روستاها در قبل از دهه چهل و بعد از اصلاحات ارضی و نیز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل نبود مکانی برای نگهداری احشام بیاندازیم به‌خوبی در می‌یابیم که آمار دامها به طور چشمگیری کاهش یافته است به حدی که اکثر قریب به اتفاق خانوارهای روستاها فاقد یک رأس دام می‌باشند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

زمین‌های فوق از سوی هیات‌های واگذاری زمین و بعضاً بدون نظارت دولت توسط افراد سود جو تصرف و تبدیل به مزارع کشاورزی گردید. لذا به دلیل عدم وجود زمین‌های مستعد قبلی برای قُرُق متاسفانه روز به روز از تعداد دام‌های منطقه کاسته شده است تا حدی که امروزه در هر روستا به ندرت می‌توان خانوارهایی را دید که چند رأس دام داشته باشند.

## ۱۰. ارزش افزوده در چراگاه جیرسرباقرخاله:

### ۱ - ۱۰. توزیع دام‌ها

براساس مطالعات میدانی و اطلاعات اخذ شده از قُرُق‌گاه، از بیست نقطه روستایی و یک نقطه شهری از شهرستان‌های رشت، صومعه‌سرا و فومن دام‌ها به این چراگاه فصلی آورده می‌شوند (جدول ۱).

در مجموع ۱۲۳۰ رأس انواع دام‌های بزرگ (گاو و گوساله، گاو میش و اسب و کره اسب) را شامل می‌شوند روستای جیرسرباقرخاله با ۴۳۵ رأس حدود ۳۵ درصد از کل دام‌ها را به خود اختصاص داده و سایر روستاها و نقاط شهری نیز با ۷۹۵ رأس ۶۵ درصد بقیه دام‌ها را تشکیل می‌دهند (جدول ۲).

با توجه به شرایط جغرافیایی چراگاه جیرسرباقرخاله حدود ۳۶ درصد از دام‌ها را گاو میش و بچه گاو میش، ۳۰ درصد گاو و گوساله و ۳۴ درصد بقیه را اسب و کره اسب تشکیل می‌دهند.

جدول شماره ۱- توزیع دام‌هایی که در فُرق نگهداری می‌کنند به تفکیک روستاها به غیر از روستای

جیرسرباقرخاله ۸۵-۱۳۸۴

ردیف	نام روستا	نام دهستان	نام بخش	نام شهرستان	تعداد انواع دامها		
					گاومیش و بچه گاومیش	اسب و کره اسب	جمع انواع دامها
۱.	صوفیانده	هنده خاله	تولم	صومعه‌سرا	-	۱۶۰	
۲.	صیقل وندان	تولم	تولم	صومعه سرا	۲۵	۲۵	
۳.	خشکیبجار	خشکیبجار	خشکیبجار	رشت	۵	۵	
۴.	طارمسر	لولمان	کوچصفهان	رشت	-	۲۶	
۵.	بالامحله چوکام	چوکام	خمام	رشت	۱۱	۴۶	
۶.	جیرسر چوکام	چوکام	خمام	رشت	-	۶۵	
۷.	فرشکی چوکام	چوکام	خمام	رشت	-	۵۰	
۸.	طش	پیربازار	مرکزی	رشت	۱۲	۳۹	
۹.	منگوده	پیربازار	مرکزی	رشت	۵	۱۷	
۱۰.	کفته رود	پیربازار	مرکزی	رشت	-	۱۴	
۱۱.	هندخاله	هندخاله	تولم	صومعه‌سرا	۱۹	۳۱	
۱۲.	نوخاله اکبری	هندخاله	تولم	صومعه‌سرا	۱۰	۲۹	
۱۳.	باقلاکش	هندخاله	تولم	صومعه‌سرا	۶۰	۹۷	
۱۴.	گازگیشه	هندخاله	تولم	صومعه‌سرا	۱۲	۲۲	
۱۵.	گل افزان	رودپیش	مرکزی	فومن	-	۲۰	
۱۶.	سیاه تن	تولم	تولم	صومعه‌سرا	۵	۲۰	
۱۷.	لله کاء	چوکام	خمام	رشت	-	۲۲	
۱۸.	کوبشاد	کنه سر	خمام	رشت	-	۷	
۱۹.	اباتر	طاهر گوراب	مرکزی	صومعه‌سرا	۱۲	۴۹	
۲۰.	شیجان	چاپارخانه	خمام	رشت	-	۵۰	
	تعداد	۱۰	۷	۳	۳۱۰	۷۹۵	
	درصد	-	-	-	۳۹/۰	۱۰۰	

ماخذ: مطالعات میدانی ۱۳۸۵

جدول شماره ۲- توزیع تعداد و درصد دام‌هایی که در قرق نگهداری می‌کنند برحسب بومی و غیربومی بودن ۸۵-

۱۳۴۵

ردیف	نام دام	دام بومی و غیربومی		دام بومی روستای جیرسرباقرخاله		دام غیربومی خارج از روستای جیرسرباقرخاله	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	گاو	۲۵۰	۲۰/۳	۱۰۰	۲۳	۱۵۰	۱۸/۹
۲	گوساله	۱۱۵	۹/۳	۵۰	۱۱/۵	۶۵	۸/۲
۳	گاو میش	۳۱۰	۲۵/۱	۸۰	۱۸/۴	۲۳۰	۲۸/۹
۴	بچه گاو میش	۱۳۰	۱۰/۶	۵۰	۱۱/۵	۸۰	۱۰/۱
۵	اسب	۳۳۰	۲۶/۷	۱۰۰	۲۳	۲۳۰	۲۸/۹
۶	کره اسب	۹۵	۸	۵۵	۱۲/۶	۴۰	۵/۰
جمع		۱۲۳۵	۱۰۰	۴۳۵	۳۵/۲	۷۹۵	۶۴/۸

ماخذ: مطالعات میدانی ۱۳۸۵-

## ۲-۱۰. درآمدها و هزینه‌های چراگاه جیرسرباقرخاله:

باتوجه به جدول‌های ۱ و ۲ و متوسط تعداد دام‌هایی که هر ساله در چراگاه از روستای جیرسرباقرخاله و سایر روستاها و شهرها که دام‌های خود را در زمان فعالیت کشاورزی در این چراگاه نگهداری می‌کنند و با در نظر گرفتن این مطلب که معمولاً برای دام‌های روستای جیرسرباقرخاله مبالغ اندکی دریافت می‌شود و درآمد و هزینه‌های چراگاه به شرح زیر می‌باشد:

### ۱-۲-۱۰. درآمد

براساس مطالعات میدانی درآمد قرق‌گاه جیرسرباقرخاله با احتساب مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال برای هر دام روستای جیرسرباقرخاله و ۱۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ ریال برای دام‌های سایر روستاها و شهرها برابر ۲۰۱۷۵۰۰۰۰ ریال است حدود ۱۱ درصد درآمد قرق‌گاه مربوط به ۳۵ درصد دام‌هایی است که

از روستای جیرسرباقرخاله به قرق آورده می‌شوند. و ۸۹ درصد بقیه به ۶۵ درصد دام‌هایی هستند که از سایر روستاها و شهرها به قرقگاه آورده می‌شوند. (جدول ۳)

### ۲-۲-۱۰. هزینه‌ها

هزینه‌های قُرقگاه مشتمل بر حق‌الزحمه و حقوق مدیران قُرق، قُرق‌بانان، منشی و دفتردار چراگاه، شورای اسلامی روستای جیرسرباقرخاله، هزینه سیم خاردار و کومه هستند.

جدول ۳- توزیع درآمد چراگاه جیرسرباقرخاله به تفکیک انواع دام‌ها ۱۳۸۵

ردیف	دام	تعداد دام			درآمد اجاره دام‌ها (هزار ریال)		
		جمع	دام روستای جیرسرباقرخاله <sup>۱</sup>	دام سایر روستاها و شهرها	میزان اجاره هر رأس دام	میزان اجاره دام‌های روستای جیرسرباقرخاله	میزان اجاره دام‌های سایر روستاها و شهرها
۱	گاو	۲۵۰	۱۰۰	۱۵۰	۲۰۰	۵۰۰۰	۳۰۰۰۰
۲	گوساله	۱۱۵	۵۰	۶۵	۱۰۰	۲۵۰۰	۶۵۰۰
۳	گاو میش	۳۱۰	۸۰	۲۳۰	۳۰۰	۴۰۰۰	۶۹۰۰۰
۴	بچه گاو میش	۱۳۰	۵۰	۸۰	۱۵۰	۲۵۰۰	۱۲۰۰۰
۵	اسب	۳۳۰	۱۰۰	۲۳۰	۲۵۰	۵۰۰۰	۵۷۵۰۰
۶	کره اسب	۹۵	۵۵	۴۰	۱۲۵۰	۲۷۵۰	۵۰۰۰
	جمع	۱۲۳۰	۴۳۵	۷۹۵	-	۲۱۰۷۵۰	۱۸۰۰۰۰

<sup>۱</sup> برای دام‌های روستای جیرسرباقرخاله مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال به طور متوسط در سال ۱۳۸۵ دریافت شده است.

- به طور متوسط تعداد ده نفر کارگر، پنج نفر لافندزن، یک نفر منشی و دفتردار و دو نفر مدیران قُرق که هر کارگر براساس مطالعات میدانی بین سه میلیون تا هفت میلیون ریال یعنی به طور متوسط پنج میلیون ریال حق الزحمه دریافت می کنند.
- با توجه به قرارگیری قُرقگاه در محدوده روستای جیرسریاقرخاله هر ساله حدوده پنجاه درصد از درآمد آن در اختیار شورای اسلامی روستا قرار می گیرد تا برای عمران و آبادانی روستا هزینه شود.
- جهت ساخت و بهسازی کومه ها و هزینه سیم خاردارکشی محدوده چراگاه جهت محصور نمودن چراگاه و نگهداری آن ها هر ساله حدود پنج درصد از درآمد روستا صرف می شود.

جدول ۴- توزیع هزینه های درآمد ناشی از قُرق جیرسریاقرخاله - ۱۳۸۵

ردیف	شرح	مبلغ به هزار ریال	درصد
۱.	شورای اسلامی روستا	۱۰۰۸۷۵	۵۰
۲.	حق الزحمه کارگران قُرقگاه	۶۰۵۲۵	۳۰
۳.	حق الزحمه مدیران قُرق	۳۰۲۶۳	۱۵
۴.	هزینه سیم خاردار و کومه	۱۰۰۸۷	۵
	<b>جمع</b>	<b>۲۰۱۷۵۰</b>	<b>۱۰۰</b>

مأخذ: مطالعات میدانی - ۱۳۸۵



## ۱۱. مشکلات فُرقگاه

### ۱۱-۱. کاهش مساحت محدوده‌های فُرق:

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مساحت فُرق‌ها در طی چند دهه اخیر تحت تاثیر عوامل زیر کاهش یافته است.

#### \* عوامل محیطی :

یکی از عوامل مهم و موثر محیطی محدودکننده فُرق بر می‌گردد به پیشروی آب دریای خزر در طی سال‌های ۷۰-۱۳۶۰ سطح آب دریای خزر به مقدار قابل ملاحظه‌ای بالا آمد و به تبع آن آب تالاب نیز آماس کرده و موجب آب گرفتگی بخش وسیعی از زمین‌های حاشیه تالاب که قبلاً از آن به عنوان فُرق استفاده می‌کردند گردید.

#### \* عوامل اقتصادی :

از جمله عوامل مهم اقتصادی محدودکننده فُرق مخصوصاً در بعد از پیروزی انقلاب تصرف زمین‌های حاشیه تالاب جهت مصارف اقتصادی از قبیل زیرکشت بردن محصول برنج از سوی افراد خوش‌نشین و یا کم زمین روستایی بوده است.

#### \* عوامل اجتماعی، فرهنگی :

عوامل اجتماعی، فرهنگی محدود کننده فُرق متعدد می‌باشند از جمله آن‌ها می‌توان مهاجرت تعداد زیادی از استان‌های همجوار مخصوصاً طی چند سال اخیر پایتخت نشین‌ها را نام برد. با ورود مهاجرین و به مرور زمان فرهنگ اجتماعی روستاها دچار تغییر شده و حتی بر زبان فرهنگ و آداب و سنن منطقه تاثیر گذاشته است به‌ویژه اخیراً تعدادی از افراد سودجو با خرید زمین‌های زراعی در مقیاس وسیع به اشکال مختلف مبادرت به تغییر کاربری زمین‌ها نموده و به همین

خاطر در بعضی از روستاها به ندرت می‌توان مشاهده نمود که خانواری چند رأس دام حتی برای امرار معاش خود داشته باشد.

این امر تهدیدی جدی برای ساکنان آن به لحاظ اجتماعی، فرهنگی و حتی مسائل زیست محیطی می‌باشد.

۲-۱۱. به دلیل عدم وجود دام کافی در شرایط کنونی قُرُق‌ها مانند گذشته فعال نبوده و هم از نظر تعداد و هم از نظر وسعت کاهش پیدا کرده است.

۳-۱۱. در چند ساله اخیر به دلیل فعال شدن نسبی دامداری و دامپروری‌های نیمه صنعتی و پرواربندی علوفه و رغبت کم‌تری برای تحویل دام‌ها قُرُق وجود دارد.

۴-۱۱. به جهت فصلی بودن فعالیت قُرُق‌ها (در بهار و تابستان) و مهاجرفرستی روستاها از یک طرف و سنگینی و پرمشغله بودن کار قُرُق‌بانی متاسفانه کم‌تر رغبت و اشتیاق جهت فعالیت در محدوده قُرُق نشان می‌دهند.

## ۱۲. نتیجه‌گیری:

با توجه به مبانی نظری تحقیق و شناخت وضع موجود محدوده مورد مطالعه و ویژگی‌های خاص آن که در حاشیه تالاب واقع گردیده است. جمع‌بندی دستاوردهای این تحقیق شناخت ابعاد مختلف محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی قُرُق، وجود ارتباط قُرُق با روستاها و روستاها با قُرُق به ویژه از نظر اقتصادی و ضرورت برنامه‌ریزی جهت احیاء و توسعه قُرُق‌ها مد نظر می‌باشد. در وضعیت کنونی قُرُق یک نوع انطباق جغرافیایی با محیط تلقی می‌شود. که از گذشته تاکنون توسط روستاییان دامدار که با کوهستان ارتباط ندارند ایجاد شده و تاکنون ادامه یافته است این امر در حفظ و تقویت فعالیت دامداری به عنوان فعالیت مکمل در کنار زراعت برنج از اهمیت خاصی برخوردار است.

از آن جایی که محدوده‌های قرق برای فعالیت‌های دیگر و به‌ویژه زراعت و باغداری مناسب نیستند حفظ آن‌ها با هدف تداوم فعالیت دامداری در کنار زراعت و باغداری ضروری است که در این صورت ضمن حفظ تعادل محیط طبیعی و انسانی تثبیت جمعیت فعال روستاها نیز میسر خواهد بود.

### ۱۳. منابع:

- ۱- استانداری گیلان، ۱۳۸۳، مستندات سند توسعه شهرستان رشت مشاور علمی طرح: دکتر نصراله مولائی هسجین، فرمانداری شهرستان.
- ۲- پورفیکوئی. سید علی، ۱۳۸۳، دامداری و زندگی شبانی در گیلان، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- ۳- جهاد سازندگی استان گیلان، ۱۳۶۱، تالاب انزلی و مسایل مربوط به آن، دفتر طرح احیاء تالاب انزلی.
- ۴- جهاد سازندگی، ۱۳۶۲، طرح احیای تالاب انزلی، گزارش شماره ۲۰۱.
- ۵- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۳، مهندسین مشاور پژوهاب، مطالعات تکمیلی طرح جامع توسعه منابع آب و خاک منطقه ساحلی دریای خزر، جلد چهارم.
- ۶- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۱، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱۶.
- ۷- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، ۱۳۷۹.
- ۸- شرکت هامون پار، ۱۳۷۶، طرح جامع شیلات.
- ۹- شادپور. محمد، ۱۳۷۹، توان‌های محیطی تالاب انزلی و مشکلات موجود در آن، فصلنامه شهروند، شهرداری رشت.

- ۱۰- فرید پاک، ۱۳۶۲، وضعیت آب و هوای انزلی، هواشناسی کل کشور.
- ۱۱- کوثری.س، ۱۳۶۵، مطالعه ژئوشیمیایی تالاب انزلی، سازمان زمین‌شناسی کشور.
- ۱۲- مطالعات میدانی، ۱۳۸۵.
- ۱۳- منوری. سید محمود، ۱۳۶۹، بررسی اکولوژی تالاب انزلی، انتشارات گیلان، رشت.
- ۱۴- مولائی هاشجین. نصراله، ۱۳۸۲، طرح هادی روستای جیرسرباقرخاله، کارفرما، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گیلان.
- ۱۵- دادرس. حسن، ۱۳۸۳، برنامه‌ریزی توسعه روستاهای حاشیه تالاب انزلی، پایان نامه کارشناسی ارشد.